info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۷۶
شنبه / ۱۷ خرداد / ۱۴۰۴
۱۱ / ذوالحجه / ۱۴۴۶
07 / June / 2025

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۴۴۳۴۲ -۰۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

داشتم دلقی و صد عیب مرا می‌پوشید
خرقه رهنِ می و مطرب شد و زنّار بماند
بر جمالِ تو چنان صورتِ چین حیران شد
که حدیثش همه‌جا در در و دیوار بماند

طلـب منصب فانـی نکند
صاحب‌عقل
عاقل آن اسـت که اندیشه
کند پایان را

سعدی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۰۴	۰۴:۴۹	۱۲:۰۵	۱۹:۲۰	۱۹:۴۲

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است...

جرج برنارد شاو

مکث

کاسبی با نبش قبر شایعات

در شهری که زندگی در آن با مشکلات متفاوتی گره خورده مدتی است مرگ هم از حاشیه به دور نمانده است. برخی معتقدند بهشت زهرا که آخرین منزل میلیون‌ها تهرانی به نظر می‌رسد، دیگر جایی برای خواب ابدی شهروندان این کلانشهر ندارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، به عبارت دیگر قبرهای خالی اما رزروشده، افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها و بلاتکلیفی قطعات جدید، آرام‌آرام زنگ خطر را برای آینده تدفین در پایتخت به صدا درآورده است. این درحالی است که برخی نیز هشدار می‌دهند که چنین ادعاهایی از سوی برخی سوداگران زمین مطرح شده تا به این شکل روی قیمت زمین‌های حاشیه‌ای تهران تاثیر بگذارند و جیب‌های خود را پر کنند. بهشت زهرا به‌عنوان بزرگ‌ترین آرامستان کشور و محل دفن میلیون‌ها نفر از شهروندان تهرانی، حالا با مسأله جدی کمبود فضای دفن مواجه شده است! هرچند موضوع پایان ظرفیت این مجموعه طی سال‌های گذشته بارها مطرح شده اما در روزهای اخیر دوباره با هشدار برخی مسئولان شهری، این مسأله به صدر اخبار بازگشته است. این‌بار اما یک نکته مهم، ماجرا را پیچیده‌تر کرده آن هم ادعای خالی بودن بیش از ۷۰ درصد قبرهایی است که در گذشته فروخته شده!

اظهارات متناقض

در کنار هشدارهای مربوط به پایان ظرفیت قطعات فعال، موضوع قابل‌توجه دیگری از سال گذشته مطرح شده است؛ این‌که هزاران قبر طی سال‌های گذشته توسط شهروندان خریداری شده اما هنوز استفاده نشده است! سال گذشته بود که مالک حسینی، مدیرعامل پیشین سازمان بهشت‌زهرا اعلام کرد که در برخی قطعات، از جمله قطعه‌های ویژه و گران‌قیمت، ۷۰ درصد قبرها فروخته‌شده اما استفاده نشده است. او گفته بود: بسیاری از این قبور برای آینده توسط خانواده‌ها رزرو شده، یا صاحبان آنها هنوز از این قبور استفاده نکرده‌اند و سال‌هاست بلااستفاده مانده است. این در حالی است که به‌تازگی مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران اعلام کرد: اگرچه ممکن است در برخی قطعات قدیمی بهشت زهرا فضاهایی برای دفن وجود داشته باشد؛ اما در قطعات جدید، به‌ویژه قطعات شماره ۳۰۰ به بالا، فضای خالی وجود ندارد. آن‌طور که او می‌گوید در حال حاضر تنها قطعه باقی مانده برای دفن روزانه اموات در بهشت زهرا قطعه ۳۲۹ است و قطعه دیگری برای دفن روزانه در این آرامستان پیش‌بینی نشده؛ بنابراین چنانچه ظرفیت این قطعه نیز به پایان برسد، بهشت زهرا دیگر امکان دفن روزانه اموات را نخواهد داشت.

اهمیت جانمایی آرامستان

با توجه به ظرفیت رو به پایان بهشت زهرا شورای اسلامی شهر تهران لایحه ایجاد آرامستان‌های جدید را تصویب کرده است. اگرچه براساس این لایحه مقرر شد تا سه آرامستان جدید در جنوب شرقی شهر در سه‌راه سیمان، ابتدای جاده ساوه و کلاغ‌لیه احداث شود اما تعیین محل آرامستان‌های جدید همچنان محل بحث است. چندی پیش سیدکمال‌الدین میرجعفریان، معاون عمرانی استاندار تهران با انتقاد از مکان‌های تعبیه‌شده برای آرامستان‌های جدید گفت: پروژه احداث آرامستان تهران در کنار اتوبان تهران-ساوه، با وجود تردد بسیار بالای خودروهای سبک و سنگین، نیازمند بررسی‌های دقیق فنی و ترافیکی است و تا انجام این بررسی‌ها، دستگاه‌های ذی‌صلاح باید برای توقف آن ورود کنند. علاوه‌بر مباحث ترافیکی، برخی دیگر از مسئولان احداث آرامستان در جنوب تهران را عاملی در جهت تشدید شکاف اجتماعی در تهران می‌دانند. در همین راستا جعفر بندی شربیانی، عضو شورای شهر تهران گفت: تمرکز تاریخی در بحث دفن افراد در جنوب شهر موجب شده تصویر ذهنی در جنوب شهر با سوگ و غم همراه شود. آن‌طور که او گفته شکاف ساختاری بین شمال و جنوب تهران یک نابرابری نهادینه است هرچند در دوره‌های اخیر برای کاهش شکاف بین شمال و جنوب تلاش شده است؛ اما هنوز آمارهای شمال و جنوب با هم فاصله دارد. بنابراین توسعه پایدار در چنین بستر ناموازنی امکان‌پذیر نیست و باید در کالبد شهر توزیع متناسب صورت بگیرد.

گره‌گشایی با شفافیت

در حال حاضر بهشت زهرا با همه عظمت و اهمیتش، به یک نقطه بحرانی رسیده است. ظرفیت محدود، قبرهای بلااستفاده، قیمت‌های نجومی، فقدان زیرساخت جایگزین و تعلل در اجرای پروژه‌های آرامستانی جدید، تهرانی‌ها را نگران کرده است. آینده دفن در این کلانشهر نه فقط یک مسأله خدماتی که یک بحران اجتماعی در حال ظهور است. ضروری است شهرداری، شورای شهر و سازمان‌های مرتبط با شفافیت، عدالت و دوراندیشی به این موضوع بپردازند تا آخرین منزلگاه تهرانی‌ها به دغدغه‌ای بزرگ برای بازماندگان‌شان تبدیل نشود.

وضعیت بحرانی نیست!

درحالی که چند روزی است برخی از مسئولان شهری هشدارهای مختلفی در خصوص تکمیل ظرفیت آرامستان تهران می‌دهند، برخی دیگر از مسئولان نظر متفاوتی دارند. روز گذشته یکی از اعضای شورای شهر تهران اعلام کرد که بهشت زهرا تا چندین سال آینده امکان دفن اموات را دارد؛ در وضعیت بحرانی نیستیم که بخواهیم تصمیم عجولانه‌ای بگیریم. وی در واکنش به هشدارهای برخی از مسئولان در خصوص تکمیل ظرفیت بهشت‌زهرا افزود: شلوغ کردن بیش از حد بعضی‌ها نشان می‌دهد مقاصدی پشت این مسأله است و سوداگران زمین در آنجا با برجسته کردن یک مشکل به دنبال کسب منافع خود هستند. البته صحبت‌های این عضو شورای شهر تهران چندان بی‌راه هم نیست؛ چراکه با توجه به رشد تصاعدی قیمت زمین در تهران، بدیهی است که بسیاری از صاحبان زمین برای احیای ارزش زمین خود به دنبال انتقال هرچه سریع‌تر آرامستان باشند. مسئولان بهشت زهرا نیز نظری مشابه دارند. امیر مرادعلی، مدیر روابط‌عمومی این سازمان در گفت‌وگو با جام‌جم با رد ادعای تکمیل ظرفیت می‌گوید: درحال حاضر وضعیت دفن افراد در بهشت زهرا بحرانی نیست چراکه این آرامستان درحال توسعه است و تعداد زیادی قبر خالی داریم که در رزرو بسیاری از خانواده‌های تهرانی است اما متاسفانه وقتی در مورد ظرفیت بهشت‌زهرا صحبت می‌شود به این نکات توجه نمی‌شود. وی می‌افزاید: درحال حاضر قطعه ۳۲۹ و ۳۲۸ خالی است و ظرفیت دفن اموات جدید را دارد. با این حال احداث آرامستان جدید نیز در دستور کار قرار دارد و منوط به نظر شورای شهر، استانداری و وزارت کشور است. علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران نیز به جام‌جم می‌گوید: همان‌طور که رئیس شورای شهر تهران اعلام کردند ما هنوز در بحث ظرفیت بهشت زهرا به شرایط خطیر نرسیدیم؛ البته این به‌آن معنا نیست که ما باید اجازه دهیم تا به آن نقطه بحرانی برسیم.

گزارش روز

بازی فریب بی‌بی؛ تهدید یا نمایش

دیوانگی یعنی انجام دادنِ یک کار به‌صورت مکرر و انتظار داشتنِ نتایج متفاوت»؛ این جمله که اغلب به آلبرت اینشتین نسبت داده می‌شود، هرچند هیچ مدرک معتبری وجود ندارد که او واقعاً چنین حرفی زده یا نوشته باشد، به‌طور شگفت‌انگیزی رفتار اسرائیل تحت رهبری بنیامین نتانیاهو در حدود یک دهه و نیم گذشته را به‌خوبی توصیف می‌کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، یوسی ملمن کارشناس مسائل نظامی و امنیتی روزنامه هاآرتص در این روزنامه نوشت: دیوانگی یعنی انجام دادنِ یک کار به‌صورت مکرر و انتظار داشتنِ نتایج متفاوت»؛ این جمله که اغلب به آلبرت اینشتین نسبت داده می‌شود، هرچند هیچ مدرک معتبری وجود ندارد که او واقعاً چنین حرفی زده یا نوشته باشد، به‌طور شگفت‌انگیزی رفتار اسرائیل تحت رهبری بنیامین نتانیاهو در حدود یک دهه و نیم گذشته را به خوبی توصیف می‌کند. رفتاری که بارها و بارها تکرار شده و همواره انتظار می‌رود نتایج متفاوتی از آن به‌دست آید.

نتانیاهو شمشیر می‌کشد، اما ضربه نمی‌زند!

اسرائیل بارها و بارها ایران را به حمله به تأسیسات هسته‌ای‌اش تهدید کرده است. این الگوی رفتاری شبیه سناریویی از پیش نوشته‌شده است که به‌طور مکرر تکرار می‌شود؛ سناریویی که هر از گاهی از کشوی میز بیرون آورده شده، گردگیری و به‌روزرسانی می‌شود. این الگو شامل تشدید لفاظی‌ها با محوریت یک پیام اصلی است: «اسرائیل هیچ‌گاه اجازه نخواهد داد که ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد».

این سخنان نه تنها در سخنرانی‌ها، بلکه در اقدامات میدانی نیز نمود پیدا می‌کنند: برای هفته‌ها، ده‌ها جنگنده اسرائیلی در رزمایش‌هایی در نقاط مختلف شرکت می‌کنند که از جمله آن‌ها شبیه‌سازی عملیات پرتاب بمب و موشک است. همزمان، فعالیت‌های اطلاعاتی از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی نظامی و موساد شدت می‌گیرد و فشارهای دیپلماتیک از سوی سفرا و مقامات مختلف به وزارت‌خانه‌های خارجه کشورهای مختلف وارد می‌شود، با پیامی واضح: «از اسرائیل حمایت کنید وگرنه».

به نظر می رسد این جعبه‌ابزار از اقدامات برای آماده‌سازی اسرائیل برای گزینه نظامی طراحی شده است و مهم‌تر از آن، به‌منظور آماده‌سازی افکار عمومی جهانی برای حمله‌ای قریب‌الوقوع می باشد. با این حال، این تهدیدات بارها و بارها تکرار شده، اما هیچ‌گاه به حمله‌ای واقعی منتهی نشده است. در حقیقت، هدف این اقدامات دقیقاً برخلاف آن چیزی است که به نظر می‌رسد. زمانی که حمله‌ای در واقعیت انجام می‌گیرد، به‌صورت محرمانه و در پشت پرده صورت می‌گیرد. این الگو به‌طور مشخص در دو حمله هوایی اسرائیل مشاهده می‌شود: نابودی راکتور هسته‌ای عراق در ژوئن ۱۹۸۱ و راکتور سوریه در سپتامبر ۲۰۰۷. نخست‌وزیرانی که دستور این عملیات‌ها را صادر کردند (مناخیم بگین و ایهود اولمرت) از جسورترین و کارآمدترین رهبران تاریخ اسرائیل به‌شمار می‌روند.

در مقابل، نتانیاهو قرار دارد که همیشه با لحن پرحرارت سخن می‌گوید، اما در عمل یا اقدامی انجام نمی‌دهد یا اقداماتی محدود و ناچیز را انجام می‌دهد. دستورهای او به نیروی هوایی و ارتش اسرائیل در حقیقت بیشتر به‌عنوان سیگنالی برای جامعه اطلاعاتی جهانی به‌ویژه ایالات متحده است تا رفتار اسرائیل را تحت نظر داشته باشند و از نیت‌های آن آگاه شوند؛ گویی پیام او این است: «ببینید، ما جدی هستیم؛ لطفاً ما را متوقف کنید!»

تهدید ایران یا نمایش برای آمریکا؟

تا آنجا که اطلاعات موجود نشان می‌دهد، نتانیاهو دست‌کم سه بار دستور داده که ارتش اسرائیل و نیروی هوایی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران آماده شوند به‌عبارتی «سلاح را مسلح کنند». نخستین بار در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بود که ایهود باراک، وزیر دفاع وقت، شریک سیاسی نتانیاهو نیز از این اقدام حمایت می‌کرد. با این حال، این عملیات به‌دلیل مخالفت مئیر داگان، رئیس وقت موساد و گابی اشکنازی، رئیس ستاد کل ارتش متوقف شد. یووال دیسکین، رئیس شین‌بت نیز در آن جلسه حضور داشت، هرچند نظرات او در مقایسه با موساد و ارتش از اهمیت کمتری برخوردار بود.

سه نفر از برجسته‌ترین مقامات امنیتی اسرائیل یعنی داگان، اشکنازی و دیسکین با قاطعیت مخالفت خود را با طرح حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران اعلام کردند. آن‌ها تأکید کردند که تصمیم‌گیری درباره چنین اقدامی حیاتی باید در فضایی رسمی و در یک جلسه کابینه امنیتی صورت گیرد، نه در جمعی غیررسمی در مقر موساد. نتانیاهو و ایهود باراک، وزیر دفاع وقت به خوبی می‌دانستند که در چنین جلسه‌ای نمی‌توانند اکثریت لازم را کسب کنند، چرا که در میان اعضای کابینه کسانی چون دان مریدور، موشه یعلون، بنی بگین، آویگدور لیبرمن و الی یشای حضور داشتند.

در همین حال، دولت اوباما تهدیدهای اسرائیل را به‌طور جدی بررسی کرده و هشدارهای مکرری به نتانیاهو و باراک ارسال کرده بود. بعدها، گابی اشکنازی در مصاحبه‌ای با نگارنده اعتراف کرد که ممکن است او و داگان فریب یک عملیات فریب‌کاری از سوی نتانیاهو و باراک را خورده باشند؛ عملیاتی که با هدف القای مشروعیت به تهدید حمله طراحی شده بود، با این علم که این اطلاعات به سرعت به گوش آمریکایی‌ها خواهد رسید.

بلوف جدید نتانیاهو علیه ایران

در سال ۲۰۱۲، دور دوم آماده‌سازی‌ها به‌طور جدی آغاز شد و این بار نیز نگرانی‌هایی در واشنگتن برانگیخت که اسرائیل احتمالاً در آستانه اقدام نظامی قرار دارد. به همین دلیل، ایالات متحده مذاکرات محرمانه‌ای را با ایران آغاز کرد که به‌طور عمدی و بدون اطلاع اسرائیل برگزار شد و با میانجی‌گری عمان پیش رفت. این مذاکرات که به دور از چشم اسرائیل و در راستای کاهش تنش‌ها صورت گرفت، در نهایت در ژوئیه ۲۰۱۵ به توافقی ده‌ساله میان ایران و شش قدرت جهانی منتهی شد؛ توافقی که اکنون در آستانه پایان است.

نتانیاهو با تمام توان خود برای تخریب توافق هسته‌ای تلاش کرد. او بدون اطلاع باراک اوباما، در کنگره آمریکا سخنرانی کرد و حدود یک سال و نیم بعد، پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات، به همراه یوسی کوهن، رئیس موساد، ترامپ را ترغیب به خروج از توافق کرد. سرانجام، در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده از توافق هسته‌ای خارج می‌شود. اکنون، برای سومین بار، نتانیاهو با شدت بیشتری طبل جنگ را به صدا درآورده و به نظر می‌رسد که در حال آماده‌سازی نیروی هوایی و ارتش اسرائیل برای یک حمله احتمالی است؛ یا این‌که نیروی هوایی اسرائیل فاقد بمب‌های سنگرشکن لازم برای نفوذ به تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی و مستحکم ایران است.

طبل توخالی

این‌بار، شانس نتانیاهو برای ترساندن دولت آمریکا تقریباً به صفر رسیده است. او دیگر جرأت نمی‌کند همان‌گونه که در قبال مسائل ایران و دیگر موضوعات با رؤسای جمهور دموکرات یعنی باراک اوباما و جو بایدن رفتار کرده بود، با دونالد ترامپ نیز برخورد کند. در تماس تلفنی که اواخر ماه گذشته میان ترامپ و نتانیاهو برقرار شد، ترامپ به‌صراحت به او هشدار داد که حتی به گزینه نظامی فکر نکند. و برای اینکه هیچ تردیدی باقی نماند، ترامپ این موضوع را علناً و در مقابل دوربین‌ها نیز مطرح کرد.

دونالد ترامپ در آستانه امضای توافقی جدید با ایران است؛ توافقی که می‌تواند به لغو تحریم‌های اقتصادی علیه تهران منجر شود. او خواهان آن است که ایران به‌طور کامل غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود را متوقف کند، هرچند بعید به نظر می‌رسد که تهران با چنین شرطی موافقت کند. این احتمال وجود دارد که توافق نهایی شباهت زیادی به توافق اوباما در ده سال پیش داشته باشد. نتانیاهوی سال ۲۰۲۵، دیگر آن نتانیاهوی محتاط و محافظه‌کار سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۲ یا ۲۰۱۵ نیست. امروز، او مردی مستأصل و تحت فشار است که با ذهنیتی آشفته و تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی همانند رهبر کشوری دیوانه رفتار می‌کند. با این حال، حتی در اوهام خود، حد و مرزی برای اقداماتش وجود دارد.

اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نخواهد کرد. بدون حمایت نظامی ایالات متحده چه در بخش پدافندی و چه در بخش تهاجمی چنین حمله‌ای عملاً بی‌اثر خواهد بود و میلیون‌ها اسرائیلی را برای مدت طولانی به پناهگاه‌ها می‌فرستد. با این حال، هیچ‌یک از این واقعیت‌های شناخته‌شده نمی‌تواند مانع از آن شود که رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل ده‌ها میلیارد شکل از بودجه کشور را صرف آماده‌سازی برای حمله‌ای کنند که هیچ‌گاه به اجرا در نخواهد آمد. بی‌تردید، ارتش و نیروی هوایی اسرائیل از این وضعیت راضی‌اند؛ زیرا این بودجه جدید به آن‌ها تزریق شده و عملکرد خلبانان در تمرینات بهبود یافته است. اما امید به نتیجه‌ای متفاوت نسبت به دفعات پیشین، چیزی جز تکرار یک دیوانگی نیست.

اشاره

هجوم داوطلبان برای کارشناسی ارشد: ایران این همه روان‌شناس می‌خواهد؟!

«افزایش چشمگیر متقاضیان شرکت در آزمون کارشناسی ارشد روان‌شناسی در سال‌های اخیر، پدیده‌ای چندوجهی است که ریشه در تحولات عمیق روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دارد. این روند نه تنها نشان‌دهنده تغییر در اولویت‌های فردی و اجتماعی است بلکه بازتاب‌دهنده پویایی‌های پیچیده‌ای در جو غالب جامعه، بازار کار و حتی خطرات مرتبط با سوءاستفاده از این رشته نیز است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه اینترنتی فراز، رشته روان‌شناسی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های آزمون کارشناسی ارشد در ایران است و همواره در کنار رشته‌های مدیریت و حقوق در صدر انتخاب داوطلبان قرار دارد. آمار شرکت‌کنندگان این رشته در سال‌های اخیر بین ۴۹ تا ۵۷ هزار نفر متغیر بوده است؛ به‌طوری که در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۹ هزار نفر، در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۷ هزار و ۵۰۰ نفر (بالاترین آمار در سال‌های اخیر)، در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ مجدداً حدود ۴۹ هزار نفر در آزمون این رشته شرکت کرده‌اند. اگرچه آمار نهایی سال ۱۴۰۴ هنوز اعلام نشده، اما پیش‌بینی می‌شود حدود ۴۷ تا ۵۰ هزار نفر باشند.

ابزاری برای مدیریت روان

دکتر محمدصالح نشان، روانشناس و استاد دانشگاه در این باره می‌گوید: «افزایش چشمگیر متقاضیان شرکت در آزمون کارشناسی ارشد روان‌شناسی در سال‌های اخیر، پدیده‌ای چندوجهی است که ریشه در تحولات عمیق روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دارد. این روند نه تنها نشان‌دهنده تغییر در اولویت‌های فردی و اجتماعی است بلکه بازتاب‌دهنده پویایی‌های پیچیده‌ای در جو غالب جامعه، بازار کار و حتی خطرات مرتبط با سوءاستفاده از این رشته نیز است. از نظر روان‌شناختی، افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت سلامت روان، یکی از محرک‌های اصلی این روند است. در دنیای امروز که با فشارهای روانی همچون اضطراب، افسردگی و استرس‌های ناشی از زندگی مدرن مواجهیم، افراد بیشتری به دنبال درک عمیق‌تر از خود و بهبود کیفیت زندگی روانی‌شان هستند. روان‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای که ابزارها و راهکارهایی برای مدیریت این چالش‌ها ارائه می‌دهد به گزینه‌ای جذاب برای تحصیل تبدیل شده و این تمایل به خودشناسی و رشد شخصی، به‌ویژه در میان نسل جوان، سبب افزایش تقاضا برای ورود به این حوزه شده است.»

برانگیخته‌شدن کنجکاوی عمومی

او ادامه می‌دهد: «از منظر جامعه‌شناختی، شاهد تغییری محسوس در ارزش‌های اجتماعی هستیم؛ به گونه‌ای که بهزیستی فردی و جمعی به جایگاه اولویت‌دار رسیده است. در گذشته، مسائل روان‌شناختی اغلب نادیده گرفته می‌شدند یا به‌عنوان ضعف شخصی تلقی می‌گشتند، اما امروزه جامعه به این درک رسیده است که سلامت روان به اندازه سلامت جسم اهمیت دارد. این تغییر نگرش، به‌ویژه در میان قشر تحصیل‌کرده، موجب شده روان‌شناسی به رشته‌ای جذاب و مرتبط با نیازهای ملموس روزمره جامعه تبدیل شود. همچنین، جو فرهنگی حاکم که به سوی ارزش‌گذاری بر خودآگاهی و هوش هیجانی حرکت کرده، نقشی مهم در تقویت این گرایش ایفا می‌کند. از منظر فرهنگی، یکی از تحولات مهم سال‌های اخیر، کاهش انگ و تابو پیرامون موضوعات مرتبط با سلامت روان است. گفتگو درباره مسائلی مانند تراپی و مشاوره روان‌شناختی، دیگر با شرم همراه نیست و حتی به نمادی از مدرن بودن و خودآگاهی تبدیل شده است. این تغییر به‌ویژه در شهرهای بزرگ و در میان طبقه متوسط و مرفه، بسیار مشهود است. رفتن به تراپی که زمانی ممکن بود با تردید همراه باشد، اکنون بخشی از سبک زندگی مدرن تلقی می‌شود و همین امر، افراد بسیاری را به تحصیل در این رشته ترغیب کرده است، چرا که می‌توانند به‌طور مستقیم در این گفتمان فرهنگی مشارکت داشته باشند. رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی، نیز در این مسیر نقش چشم‌گیری ایفا کرده‌اند. پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، تلگرام و توییتر پر شده‌اند از محتوای روان‌شناختی، از آموزش‌های مربوط به مدیریت استرس گرفته تا تست‌های شخصیت و نقل‌قول‌های انگیزشی. این حجم از محتوا، کنجکاوی عمومی را برمی‌انگیزد و روان‌شناسی را به موضوعی روزمره و جذاب بدل می‌کند. همچنین، اینفلوئنسرها و پادکست‌های روان‌شناسی با ساده‌سازی مفاهیم تخصصی سهم بزرگی در گسترش علاقه عمومی به این رشته داشته‌اند. البته، همین حضور رسانه‌ای گسترده، زمینه‌ساز ظهور روان‌شناسان زرد و سودجو نیز شده است که در ادامه به آن خواهم پرداخت.»

آشفتگی بازار

نشان در ادامه می‌گوید: «از منظر بازار کار، شاهد افزایش تقاضا برای خدمات روان‌شناختی هستیم و فرصت‌های شغلی متعددی برای فارغ‌التحصیلان این رشته به‌وجود آمده است. کلینیک‌های مشاوره، سازمان‌های آموزشی، شرکت‌های منابع انسانی و استارت‌آپ‌های حوزه سلامت روان، همگی به متخصصان روان‌شناسی نیاز دارند. این فرصت‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های مشاوره بالینی، روان‌شناسی سازمانی و روان‌شناسی تربیتی، انگیزه‌ای قوی برای ورود به این رشته ایجاد کرده‌اند. با این حال، این افزایش تقاضا با چالش‌هایی نیز همراه است؛ به‌طوری که بازار کار روان‌شناسی در برخی مناطق، به‌ویژه شهرهای بزرگ، در حال اشباع شدن است. تعداد بالای فارغ‌التحصیلان ممکن است منجر به رقابت شدید و کاهش کیفیت خدمات شود، به‌خصوص اگر زیرساخت‌های آموزشی و نظارتی نتوانند با این رشد همگام شوند. گرچه در بلندمدت، این رقابت می‌تواند موجب حذف فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت شود، اما در کوتاه‌مدت ممکن است بازار را دچار نوعی آشفتگی کند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان با چالش‌هایی مانند درآمد ناکافی، فقدان موقعیت‌های شغلی مناسب و حتی لزوم مهاجرت به مناطق یا کشورهای دیگر مواجه می‌شوند. همچنین، افزایش تعداد متخصصان بدون نظارت کافی بر کیفیت آموزش و صدور مجوزهای حرفه‌ای، می‌تواند به کاهش استانداردهای خدمات روان‌شناختی منجر شود، که در نهایت به زیان جامعه خواهد بود. از دیگر پیامدهای نگران‌کننده افزایش محبوبیت روان‌شناسی، ظهور روان‌شناسان زرد و سودجو است. این افراد، که اغلب فاقد صلاحیت‌های حرفه‌ای لازم هستند، با ارائه محتوای ساده‌انگارانه یا گمراه‌کننده در رسانه‌های اجتماعی، برگزاری کارگاه‌های غیرعلمی یا ارائه مشاوره‌های غیرحرفه‌ای، به دنبال جذب مخاطب و کسب سودند. این پدیده، نه‌تن‌ها اعتبار حرفه روان‌شناسی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه می‌تواند آسیب‌های جدی به مراجعان وارد کند، چرا که توصیه‌ها و مداخلات غیرعلمی، نه‌تن‌ها مفید نیستند بلکه در مواردی منجر به تشدید مشکلات روانی می‌شوند. نبود نظارت کافی بر این فعالیت‌ها، به‌ویژه در فضای مجازی و در سال‌های اخیر، این خطر را دوچندان کرده و ضرورت تقویت نظام‌های نظارتی و آموزشی در حوزه روان‌شناسی را بیش از پیش آشکار ساخته است.»

او در آخر می‌گوید: «در نهایت، باید گفت روند افزایش متقاضیان تحصیل در مقاطع بالاتر تنها محدود به روان‌شناسی نیست و رشته‌های دیگر نیز به دلایل مشابه، شاهد رشد تعداد داوطلبان هستند. اما آنچه روان‌شناسی را متمایز می‌سازد، ارتباط مستقیم آن با نیازهای انسانی و عاطفی جامعه است. این رشته، به‌دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای و کاربرد گسترده‌اش در حوزه‌های مختلف، از جذابیتی ویژه برخوردار است. این رشد تقاضا، در عین حال که فرصتی برای ارتقاء سلامت روان جامعه به شمار می‌رود، در صورت فقدان نظارت و برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند به تهدیدی جدی بدل شود؛ تهدیدی که ممکن است در آینده نزدیک، روان‌شناسی را با چالش‌هایی مشابه با آنچه امروز در رشته‌هایی مانند پزشکی شاهد آن هستیم، مواجه سازد.»

روند رو به رشد گرایش به رشته روان‌شناسی، بازتابی از دگرگونی‌های عمیق در بافت فرهنگی، اجتماعی و روانی جامعه ایران است؛ تحولی که در یک‌سو می‌تواند به ارتقای سلامت روان عمومی و توسعه خدمات روان‌شناختی منجر شود، اما در سوی دیگر، بدون وجود زیرساخت‌های آموزشی، نظارتی و حرفه‌ای متناسب، زمینه‌ساز بی‌ثباتی و آسیب در این حوزه خواهد بود.

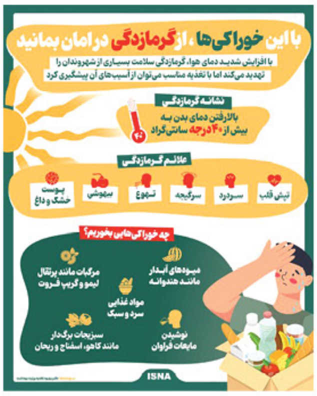
با این خوراکی‌ها، از گرمازدگی در امان بمانید
با افزایش شدید دمای هوا، گرمازدگی سلامت بسیاری از شهروندان را تهدید می‌کند اما با تغذیه مناسب می‌توان از آسیب‌های آن پیشگیری کرد
نشانه گرمازدگی
بالا رفتن دمای بدن به بیش از ۴۰ درجه سانتی‌گراد
۴۰
علائم گرمازدگی
تپش قلب
سردرد
سرگیجه
تهوع
بیهوشی
پوست خشک و داغ
چه خوراکی‌هایی بخوریم؟
میوه‌های آبدار مانند هندوانه
مرکبات مانند پرتقال لیمو و گریپ فروت
مواد غذایی سرد و سبک
نوشیدن مایعات فراوان
سبزیجات برگ‌دار مانند کاهو، اسفناج و ریحان
ISNA

برش

بازی جدید رافائل!

چگونه است که یک گزارش محرمانه آژانس بین المللی انرژی اتمی به دست یک رسانه غربی می‌افتد؟ پیش از این نیز بارها و بارها شاهد وقوع اتفاقاتی مشابه بوده‌ایم و این سوال مطرح می‌شود که چرا پروتکل های امنیتی آژانس بین المللی انرژی اتمی تا این اندازه سُست هستند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف به تازگی شاهد یک جنجال‌سازی جدید علیه برنامه هسته ای ایران بوده ایم. خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی مدعی شده که به یک نسخه از گزارش محرمانه آژانس در مورد برنامه هسته ای ایران دست یافته که در قالب آن مدیر کل آژانس به این موضوع اشاره داشته که ایران ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را در ماه مِی سال جاری میلادی به بیش از ۴۰۰ کیلوگرم افزایش داده است.

رافائل گروسی نسبت به این افزایش ابراز نگرانی کرده و در عین حال، ادعاهایی را با محوریت آنچه سایت های هسته ای اعلام نشده ایران عنوان می‌شود هم مطرح کرده است. انتشار این گزارش بلافاصله با بازتاب‌های گسترده‌ای در رسانه های غربی و طیف مخالفان و رقبای ایران همراه شده و تحلیل و تفسیرهای مختلفی در مورد آن مطرح شده و همچنان نیز می‌شود. در این باره باید ۳ نکته را مد نظر داشت.

اول اینکه باید پرسید به راستی چگونه است که یک گزارش محرمانه آژانس بین المللی انرژی اتمی به دست یک رسانه غربی می‌افتد؟ پیش از این نیز بارها و بارها شاهد وقوع اتفاقاتی مشابه بوده ایم و این سوال مطرح می‌شود که چرا پروتکل های امنیتی آژانس بین المللی انرژی اتمی تا این اندازه سُست هستند؟

پُر واضح است این موضوع به صورت عامدانه و یا هدف تشدید فشارها علیه ایران و برنامه هسته ای کشورمان اتفاق می‌افتد و به هیچ عنوان نباید آن را رویدادی تصادفی ارزیابی کرد. موضوعی که بار دیگر نشان می‌دهد تا چه اندازه جریان های مخالف با ایران، روی مساله رسانه و استفاده ابزاری از آن در راستای منافع خود تاکید دارند.

نکته دوم اینکه زمان انتشار گزارش مذکور نیز قابل تامل است. درست زمانی که مذاکرات هِسته ای غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در جریان است و تهران در برابر زیاده‌خواهی های طرف های غربی مقاومت می‌کند و جریان‌های مقابل ایران با استفاده از به اوج رساندن فشارها سعی در تحمیل اصول مطلوب خود به ایران دارند.

در این نقطه نیز ماهیت مغرضانه کنش های آژانس بین المللی انرژی اتمی و به طور خاص مدیر کل آن یعنی رافائل گروسی روشن می‌شود. فرد و نهادی که رفتارهای آنها به تکه ای از پازل تشدید فشارهای غرب علیه ایران تبدیل شده است و به هیچ عنوان در نقطه بی‌طرفی و عدالت قرار ندارند.

و در نهایت سوم اینکه با توجه به گزارش مغرضانه اخیر آژانس علیه ایران و آشکار شدن چندباره همدستی این نهاد و مدیر کل آن با قدرت های غربی، بار دیگر این گزاره که ایران باید قدرتمندانه روی حقوق خود ایستادگی کند به جهانیان اثبات شد. در واقع، در جهانی که نهادهای بین المللی بیش از آنکه مستقل باشند، عملاً آلت دست قدرت های غربی هستند، این واقعیت یک اصل راهبردی برای کشوری نظیر ایران است که صرفا روی قدرت و منافع ملی خود اصرار کند و ذره‌ای از آن ها عقب‌نشینی نکند. موضوعی که اگر محقق نشود مقدمه ای برای به بار آمدن خسارت های بزرگ علیه کشورمان خواهند بود.

بیژن ایرانی

ایران
خشک شد
از بس که
آب ندارد